دين اسلام آخرين دين و کامل ترين دين الهي است، و اديان ديگر( یهودیت، مسیحیت، زرتشت و...) مطابق با شرايط زماني و مکاني قبل از اسلام بوده اند و قوانين آنها نيز مطابق با همان زمان و مکان بوده است. دين اسلام؛ دين مورد رضايت خداوند و بدون تحريف مي‌‌باشد، اما اديان ديگر ضمن آنکه تاریخ مصرفشان گذشته و پيروي از آنها بعد از آمدن دين اسلام جايز نيست، در عين حال دستکاری شده‌‌اند و بعضي از قوانين آنها ساخته دست بشر است نه قانون خداوند.

دین اسلام با دانش و معرفت، پیوندی نزدیک و ناگسستنی دارد و همواره مسلمانان را به کسب علم و دانش توصیه می نماید در حدیثی از پیامبراسلام(ص) آمده است: «اطلبوا العلم ولو بالصین؛ علم را و لو اینکه در چین باشد، فرا بگیرید» همچنین در حدیث دیگری می فرمایند:« اطلُبوا العِلمَ مِنَ المَهدِ إلَى اللَّحْدِ؛ ز گهواره تا گور دانش بجوی» این احادیث و احادیث دیگر در این زمینه، نشان از توجه ویژه اسلام و تشویق مسلمانان به علم آموزی و پژوهش در مسائل علمی دارد و تفاوتی بین اینکه علوم توحیدی، معرفتی، اخلاقی باشد یا علوم جدید مثل ریاضی، فیزیک، نجوم و.... قائل نیست و آموختن هر علمی که مفید و لازم و ضروری برای اسلام و مسلمانان باشد را واجب می داند؛ **بر این اساس، اسلام گوی سبقت از هر مکتب و آئینی را ربوده است** و از این هم فراتر رفته و کسب دانش های لازم در جهت تأمین نیاز های دنیوی و اخروی را ضروری دانسته است.

تأثیرات ارزشمند علمى دانشمندان مسلمان بر غرب و به خصوص بر تجدید حیات علمى آنان (رنسانس) محدود به یک یا دو رشته علمى نمى گردد، بلکه آنان در رشته هاى گوناگون علمى همچون ریاضیات (حساب،هندسه، جبر و مثلثات)، فیزیک، نجوم و ستاره شناسى، شیمى، پزشکی، جغرافیا، فلسفه، ادبیات و فنون دیگر توانایى هاى خود را بر غربی ها عرضه کردند. مسلمانان در اثر خودباوری و عدم اتکا به دیگران و توجه به با ارزش بودن علم توانستند در همه زمینه های علمی، فرهنگی، فنون و.... ابداع کننده و مخترع باشند، پیشرفت های مسلمانان سبب گردید که غربی ها برای فراگیری علم و دانش به کشورهای مسلمان آمده و برای فهم کتب مسلمانان زبان آنها( عربی یا فارسی) را یاد بگیرند تا بتوانند کتب مسلمانان را به زبان خود ترجمه نمایند.

**مسلمانان و علم**

برای روشن شدن اینکه چقدر علم و دانش بر تسلط اسلام بر غرب مؤثر بوده، به مواردی از آنها اشاره می نماییم:

1-ریاضیات: لوییس هنرى هال اعتراف مى کند که مساعدت هاى مسلمانان به ذخیره علمى و معرفت ریاضى دنیا به حدّى است که زمانى طولانى نیاز است تا بتوان میزان آن را ارزیابى نمود؛ در زمینه ریاضیات دانشمندان مسلمان بسیاری داریم که هر کدام کاشف و مبدع یکی از اصول ریاضی بودند: در جبر و هندسه خیام و خوارزمی، در محاسبه عدد پی تا 16 رقم اعشار، ابداع کسرهای اعشاری، محاسبه سینوس یک درجه و..، غیاث الدین جمشید کاشانی، خواجه نصیرالدین طوسی

2-پزشکی: غربی ها در زمینه پزشکی نیز از دانشمندان طبیب مسلمان بهره هاى فراوان بردند: **کتاب الحاوى** محمّد زکریای رازى، که در اروپا به رازس معروف است، از جمله کتاب هایى است که با عنوان لیبر کونتینتس به لاتین ترجمه مى شود. این کتاب معتبرترین کتاب طبى و مهم ترین مرجع کتاب طبّى اروپا می باشد.همچنین **کتاب قانون** بوعلی سینا نیز به مدت 6 قرن در فرانسه و ایتالیا تدریس می گردید.

3-نجوم و ستاره شناسی: اندیشمندانى همچون ابن اماجور، فرزندان موسى ابن شاکر، ابوالوفاء و ابوریحان در این راه موفقیت هایى داشته اند، پیش بینی ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی برای اولین بار توسط غیاث الدین جمشید کاشانی، همچنین بیضوى بودن مدار سیّارات و حرکت زمین به دور خورشید از جمله مسائلى است که قبل از کپلر و کوپر نیک، دانشمندان مسلمان آن را کشف کرده بودند.

4-فیزیک و نورشناسی: اگرچه بیشتر کتاب هاى مسلمانان در زمینه فیزیک و نورشناسى، همچون کتب ستاره شناسى نابود شده، با این وجود، کتاب هایى همچون کتاب **مناظر الحسن ابن هیثم** که از آن دوران به یادگار مانده است به خوبى نشان مى دهد که مسلمانان در این علم نیز همچون سایر علوم پیشرفت شایانى داشته اند علاوه بر این، ابن هثیم در موضوعات شکست نور و نسبیت زاویه هاى تابش و شکست، اشتباهات بطلیموسى را نشان داد؛ شاسل، که خود یک فیزیک دان است اعتراف مى کند که علم فیزیک اروپا از مناظر الحسن ابن هیثم سرچشمه مى گیرد.

5-شیمی: در مورد علم شیمى و پایه گذارى آن، بحث دامنه دارى وجود دارد، اما در اینکه **جابربن حیان** بزرگ ترین شخصیت در تاریخ شیمى به حساب مى آید شکى نیست. بى تردید، او پایه گذار علم شیمى مى باشد و حق عظیمى در پایه گذارى علم شیمى بر مغرب زمین دارد. جابربن حیان در زمینه علم کیمیا، ابداع کاغذ نسوز و خواص مواد و عناصر اکتشافات زیادی دارد. گوستاولوبون در این مورد سخن لطیفى دارد: «چنانچه لابراتوارهاى هزار سال پیش مسلمین و اکتشافات مهمه آن ها در این علم نمى شدند، هیچوقت لاوازیه نمى توانست قدمى به جلو بگذارد.»

6-جغرافی: تسلط دانشمندان مسلمان بر علم نجوم و کشور گشایى هایى که داشتند، پیشرفت آنان را در علم جغرافیا تسهیل نمود. کتاب آثار البلاد و اخبار العباد زکریای قزوینی یکی از آثاری است که در مورد شهرها و روستاها و... نوشته شده است، همچنین جهان گردانى همچون مسعودى در مروج الذهب، ابن حوقل، ابوریحان بیرونى و به ویژه ابن بطوطه به چنان پایه اى از اهمیت در علم جغرافیا رسیدند که برخى از کتاب هاى آنان همچون کتاب نضر و کتاب عرب ادریسى به لاتین ترجمه و از منابع درسى اروپا گردید.کتاب جغرافیاى ابن ادریسى متجاوز از سیصد سال جزو کتب درسى اروپا بود.

**مسلمانان و تکنولوژی**

علاوه بر تأثیر فرهنگ و تمدّن اسلامى در علوم و تحقیقات علمى، مسلمانان در فناورى (تکنولوژى) نیز تأثیرات شگرفى بر غربی ها گذاشتند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

1-آسیاب آبى و آسیاب بادى که مسلمانان درست کردند براى غربی ها فوق العاده جالب توجه بود.

2-در مورد کشتیرانى و دریانوردى نیز باید گفت که اگر مسلمانان نبودند، پاى کریستف کلمب با آن وسایل مقدماتى به امریکا نمى رسید.

3-در صنعت نساجی و بافت انواع پارچه، مسلمانان به حدّى پیشرفت کردند که غربی ها عاشق دیدن این منسوجات بودند

4-صنعت ساخت حمّام را غربی ها در جریان جنگ هاى صلیبى فرا گرفتند. آنان در قرون وسطی، اصلاً حمام نداشتند. تابستان در گرما خودشان را با آب مى شستند و در زمستان از حمام بى بهره بودند.

5-یکى از اکتشافات خیلى مهم مسلمانان اکتشاف باروت بود. گوستاولوبون با قاطعیت از این عقیده دفاع مى کند و اکتشاف آن را توسط مسلمانان ثابت مى کند.

6-صنعت کاغذسازى با بهره گیرى از ریشه پنبه به جاى پیله ابریشم در سمرقند ایران رواج یافت. قدیمى ترین کاغذى که غربی ها در مراسلات خود از آن استفاده کردند کاغذى بود که در کارخانه شطیبیّه ساخته شد و مسلمانان از آن براى توسعه کتاب خانه هاى خصوصى و عمومى خود استفاده مى کردند.

**مسلمانان و علوم تجربی**

وقتى گفته مى شود علوم در عصر تمدّن اسلامى شکوفایى و رونق داشته اند، مراد فقط علوم عقلى و نظرى صرف نیست، بلکه علوم تجربى را نیز شامل مى شود. از بررسى تاریخ علوم اسلامى به دست مى آید که مسلمانان در علوم طبیعى و تجربى پا به پاى علوم نظرى و عقلى راه پیموده و کاملاً آگاهانه به موضوع تجربه و مشاهده واقف بوده اند.

کشف گردش خون توسط لسان الدّین بن خطیب، تشخیص بسیارى از امراض به عنوان مرض هاى مسرى و این که بیمار مبتلا به مرض مسرى باید «ایزوله» گردد، تشخیص تفاوت بیمارى هاى آبله، سرخک و مخملک و کشف «میکروب» و عامل خارجى به عنوان حامل بیمارى، تشریح پیکر میمون و مانند آن در طب، آگاهى به شعاع هاى شکست و مستقیم نور و تشریح چشم براى آگاهى از نحوه رؤیت اشیا در فیزیک، آزمایشگاه هاى فراوان در علم شیمى، رصدخانه هاى متعدد در رصد کردن سیارگان و ستارگان در نجوم و..... نمونه هایى از موارد بى شمار فعالیت هاى تجربى مسلمانان در علوم طبیعى است.

بیش از 500 سال سروری دانشمندان اسلامی بر تولید علم در تاریک‌ترین دوره تاریخ اروپا نشانگر قابلیت اسلام در تأسیس تمدن است.

**موانع تمدن اسلامی**

موانع شکل‌گیری تمدن اسلامی را می‌توان به دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم کرد. عوامل درونی عبارتند از: استبداد حکام، جهل و بی‌خبری توده‌های مسلمانان و عقب‌ماندگی آن‌ها از کاروان علم و تمدن، نفوذ عقاید خرافی در اندیشه مسلمانان و فاصله گرفتن آن‌ها از اسلام نخستین، اختلافات مذهبی و تفسیر نادرست برخی از مفاهیم اسلامی. عوامل بیرونی نیز عبارتند از: نفوذ استعمار غربی و فعالیت‌های تخریبی دشمنان اسلام که اغلب به‌صورت تهاجم نظامی، سیاسی و فرهنگی بروز می‌یابد.

از دیگر چالش‌های فراروی احیای تمدن اسلامی می‌توان به نداشتن رهبری واحد، تهاجم فرهنگی غرب، اختلافات قومی بین مسلمانان، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمانان، عدم اعتقاد به عقلانیت دینی، مقابله غرب با جهان اسلام و نیز تحریف اسلام و وارونه جلوه دادن مفاهیم دینی از سوی برخی افراطیون و گرایش سیاسی حاکمان کشورهای اسلامی (لائیک، پادشاهی و دنباله‌روی قدرت‌های بزرگ) اشاره کرد.

**فرهنگ و تهاجم فرهنگی**

یکی از موانع اصلی شکل گیری تمدن اسلامی و عقب ماندگی کشورهای مسلمان در عصر حاضر فرهنگ و تهاجم فرهنگی است که از سوی غرب وارد شده است. فرهنگ در مفهوم عام، روش زندگی کردن و اندیشیدن است و از مجموع دانسته‌ها و تجربه‌ها و اعتقادهای یک قوم حاصل می‌شود.

فرهنگ، بهترین موازین اخلاقی، معتقدات مذهبی، تفکر، آداب و سنن را اخذ می‌کند و خود را از آن می‌پرورد. اسلام در زمینه فرهنگ و تفکر اسلامی نیز نسبت به غرب پیشتاز است و بسیاری از مسائلی که غرب در عصر حاضر به آن علم پیدا کرده، اسلام در قرون گذشته به آن دست یافته و اشاره کرده است.

ناهنجاری های فرهنگی و اجتماعی مثل 1-آزادی گرایی(که نتیجه آن فروپاشی و از هم گسیختگی خانواده در اثر عدم اعتماد زن و مرد به یکدیگر ،روابط نامشروع، رابطه جنسی با حیوانات--بیماری ایدز حاصل رابطه جنسی یک زن با یک میمون است-،ازدواج با محارم، همجنس گرایی و بروز بیماری های مسری و وحشتناک است)؛ 2-نگاه تبعیض آمیز به زن که در غرب نگاهی ابزاری و جنسی و لذت جویانه به زن دارند3-آمار بالای جرم و جنایت و کشتار؛4- احساس پوچی و نا امیدی و گرایش به مواد مخدر؛؛ اینها همه ناشی از فرهنگ غلط و غیر دینی غرب است که سبب شده بسیاری از جوانان غربی، نخبگان، سازندگان فیلم های هالیوودی و حتی اطرافیان برخی سیاستمداران و صاحبان صنایع اتومبیل سازی مانند ادواردو آنییلی به اسلام روی آورند؛ لذا کشورهای غربی برای جلوگیری از این گرایش ها، تهاجم فرهنگی، تشکیل داعش و گروه های تکفیری و.... را برای ترساندن مردم غرب از اسلام و دوری از اسلام گرایی به راه انداخته اند.

اسلام برای همه معضلات و ناهنجاری ها ( فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و...) راهکارهای از پیش تعیین شده ای که از قرن ها پیش بوده است، ارائه نموده است، به عنوان مثال : در اسلام ضمن حفظ کرامت و شخصیت و ارزش زن، برای زن حقوق اختصاصی قرار داده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می نماییم:

1-زن و مرد در امر تولد و تربیت فرزند شریک و دارای سهم مساوی هستند و چه بسا سهم زن به واسطه اینکه خداوند بهشت را زیر پای مادر قرار داده بیشتر هم هست.

2-همانگونه که خداوند در انجام امور شرعی و ثواب و عقاب بین زن و مرد تفاوتی قائل نشده، در دریافت حقوق و دستمزد نیز اسلام تفاوتی بین این دو قائل نیست.

3-اسلام آموزش و تحصیل علم را بر مسلمانان واجب کرده و هیچ تفاوتی هم بین زن و مرد نگذاشته است.

4-در صدر اسلام زنان در اجتماعات (بیعت با پیامبر) و فعالیت های اجتماعی از جمله جنگ ها (پرستاری و تأمین مایحتاج مسلمانان) حضور داشته اند.

5-اسلام همچنین برای زن حقوقی مثل: نفقه، مهریه، سهم الارث، دیه، اجرت برای کار در منزل و حتی شیردهی قرار داده است

6-زن در تأمین مایحتاج زندگی و امور مالی در زندگی مشترک هیچ وظیفه ای ندارد و همه اینها بر عهده مرد می باشد.

این تنها نمونه ای از تفاوت اسلام و غرب است که میزان بینش و دوراندیشی اسلام را نسبت به مسائل نشان می دهد.